



حفظ سلامت سفید پوشان شهر را دریابید

هوای پایتخت در وضعیت قرمز است و خودروها فعلاً متهمان ردیف اول آلودگی هستند؛ چراکه مردم شاهد عبور آنها از خیابان‌ها هستند.

متهم کردن چیزهایی که در معرض دید است، راحت‌تر از متهم کردن دست‌هایی است که باز نگردان این ماجرا هستند. البته این موضوع بی‌بوسه‌های دارد که جای طرح آن در این مجال نیست. وقتی اسم تردد خودروها به میان می‌آید، نام پلیس هم به صورت قرینه لفظی در ذهن شکل می‌گیرد، بنابراین در کنار تردد خودروها، حضور پلیس به صورت یک بایسته در ادبیات متعارف جامعه شکل گرفته است. انگار باید کسی باشد تا بشود گروه‌های ترافیکی را به گردش انداخت. خیلی‌ها فراموش کرده‌اند که وظیفه پلیس ایجاد انضباط ترافیکی است و آن‌آنکه خودروها را راهی جاده‌ها و خیابان‌های باریکی می‌کنند، تنها دغدغه‌مشان، فروش این کالاهای اهتین و بالا رفتن درآمدشان است.

آلودگی هوا را نمی‌شود به گردن پلیس انداخت، اما می‌توان به صراحت گفت که مأموران سفیدپوش پلیس، این روزها با دو معضل بزرگ مواجه هستند؛ ترافیک‌های سنگین که روشنشان را بیمار و آلودگی هوا که جانشان را تهدید می‌کند. در فضای رسانه‌ای این روزها، شاهد هجوم‌های از توصیه‌ها برای حضور نیافتن مردم در خیابان‌های دودزده شهر هستیم. تعطیل شدن مدام مدارس هم به همین دلیل برای حفظ سلامت کودکان صورت می‌گیرد. مأموران سفیدپوش اما تنها کسانی هستند که به اقتضای حرفه‌شان، ناگزیر به این حضور هستند. هر چند این حضور اقتضای حرفه‌شان است اما آنها عضوی از جامعه هستند که سلامتشان این گونه در معرض خطر قرار گرفته است. در هوای آلوده شهر سلامت سفیدپوشان را در پیاید.



رهایی گروگان ۶ساله از دام زوج آدم‌ریا

زوج جوانی که متهم هستند دختر پچه شش ساله‌ای را برای سرقت طلاهایش از یک مهد کودک در شهرستان نی‌یز برده بودند، بازداشت شدند.
شهرستان نی‌ریز در استان فارس از ماجرای ناپدید شدن ناگهانی دختر پچه شش ساله با خبر شدند. مادر او به پلیس گفت: من کل‌مند یکی از بهاری‌های شهر هستم. هر روز صبح دخترم را به مهد می‌سپارم و راهی محل کار می‌شوم. امروز وقتی مطابق همیشه به دنبال دخترم آمدم، متوجه شدم که زنی که خودش را زنیستگم معرفی کرده، او را با خودش برده است.

یکی از کارکن مهد کودک هم به پلیس گفت: ساعت قبل زن جوانی که به صورتش ماسک بهداشتی زده بود به مهد مراجعه کرد و گفت می‌خواهد با دختر شش ساله حرف بزند. خودش را زنی بستگمان و معرفی کرد. من هم کودک را به او سپردم. دیدم که آن زن هرچند پچه سزاور مو توری که رانده‌اند مرد جوانی بود، شد و از محل دور شدند. حالا متوجه شدم که آنها آدم‌ریا بوده و من را فریب داده‌اند. پس از ثبت شکایت، تیمی از کارآگاهان ریزه پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به پرونده شدند. با مشخصاتی که در اختیار پلیس قرار گرفت، هویت دو آدم‌ریا شناسایی شد. بررسی‌های اولیه نشان داد که زن و مرد ۱۹ و ۲۰ ساله زن و شوهر هستند. کارآگاهان هم‌زمان با شناسایی مخفیگاه دو متهم، آنها را بازداشت کردند و کودک شش ساله را که در یک دامداری در دامنه رشت کوه‌های روستای «سنگ زور» حبس شده بود، در سلامت کامل نجات و به خانواده‌اش تحویل دادند. مرد جوان گفت: مدتی قبل بود که متوجه شدم دختر پچه همیشه مقدار زیادی طلا با خودش دارد. ماجرا را برای همسرم توضیح دادم و تصمیم به سرقت طلاهایش گرفتم. روز حادثه هم با اجرای نقشه‌ای که طرح کرده بودیم، دختر را ربودیم و پس از سرقت طلاهایش، آنها را به مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فروختیم. سردار احمدعلی گودرزی، فرمانده انتظامی استان فارس گفت مردم‌الخرم هم‌بازداشت شده‌است و تحقیقات بیشتر از متهمان جریان دارد.

گزارش و عکس غلامرضا منکنی

است برای هیجان بیشتر از قاضی در خواست کرده به جای طناب دار، او را تیرباران کنند.

به گزارش خبرنگار ما، نخستین برهه این پرونده بهمن ماه سال ۹۱ زمانی ورق خورد که مأموران پلیس و عوامل آتش‌نشانی از داخل کارگاه میل‌سازی که در آتش سوخته بود، جسد پسر ۲۰ساله‌ای به نام بهرام را کشف کردند. نخستین بررسی‌ها نشان داد بهرام به همراه برادرش کارگر این میل‌سازی بوده‌اند که شب‌ها هم همانجا می‌خوابیدند. برادر بهرام گفت: در خواب بودم که با بوی دود و آتش از خواب بیدار شدم. وقتی به داخل کارگاه آمدم، متوجه آتش‌سوزی شدم. من توانستم از میان دود و آتش فرار کنم، اما ناگهان آتش همه‌جا را فرا گرفت و برادرم در میان آتش گرفتار شد و جانش را از دست داد. در حالی که علت آتش‌سوزی از نسوی کارشناسان آتش‌نشانی عمدی اعلام شده بود، مأموران به دستور بازپرس ویژه قتل دست به تحقیق زدند. مأموران در تحقیقات میدانی دریافتند کارگری به نام جمشید که یک روز قبل از حادثه از محل کار اخراج شد، مدیر کارگاه

گفت‌وگو با متهم

چرا اینقدر می‌خندی؟

دوست دارم بخندم، چون می‌گویند خنده بر هر درد بی‌درمان دواست.

چه دردی داری؟

عاشقم، می‌دانی که عاشقی هم بد دردی است.

عاشق چی هستی؟

من عاشق دختری به نام رؤیا هستم. او یکی از رؤیاهای من است و دوست دارم هر چه زودتر با او دواج کنم. البته عاشق بازیگری هم هستم و دوست دارم قبل از دواج ابتدا یک نقش جنایی خوب بازی کنم و بعد با فیلمم به روستا بروم و فیلم را به رؤیایم تقدیم کنم.

بازی هم کرده‌ای؟

بیشتر در سریال‌های مختار نامه و اخراجی‌ها نقش سیاهی لشکر داشتم، اما همیشه عاشق بازیگری بودم. خانم پر

را تهدید به آتش‌سوزی کرده بود. مدیر کارگاه گفت: جمشید در قسمت شست‌وشوی میل کار می‌کرد. او در کارهایش دقت کافی نداشت، به طوری که موجب نارضایتی مشتریان شده بود به همین دلیل او را از محل کار اخراج کردم. پس از این مأموران جمشید را به دستور قاضی سیفی، بازپرس شعبه چهارم ویژه قتل دادسرای جنایی تهران به عنوان مظنون اصلی تحت تعقیب قرار دادند. در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت، مأموران عصر روز دوشنبه ۲۰ مهرماه امسال متوجه شدند جمشید برای کار به تهران آمده است و وی را در مخفیگاهی دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌های اولیه منکر آتش‌سوزی شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به آتش‌سوزی اقرار کرد. وی گفت: من کارگر میل شویی بودم. صاحب کارگاه همیشه از کار من ایراد می‌گرفت تا اینکه یک روز قبل از حادثه با توهین و فحاشی مرا اخراج کرد. وقتی به من توهین کرد، احساس کردم به غرورم آسیب زده است، به همین خاطر از او کینه به دل گرفتم. من جایی برای رفتن نداشتم و آن روز تا شب در خیابان‌ها گشتم و بعد هم برای خواب به پارکی رفتم.

نیمه‌های شب دوباره بر خورد بد او برآیم یادآوری شد

است از سی‌دی‌های فیلم‌های عاشقی و جنایی. من بازیگر مورد علاقه‌ام آنتونی کوین است و تمام در و دیوار خانم عکس‌های او را چسبانده‌ام. در بین بازیگرهای ایرانی عشق من ایرج قادری است. وقتی بیمار شدم چندین شبانه‌روز جلوی بیمارستان ملدم تا توانستم به ملاقاتش بروم.

باچه کارگردانی قرار داد بازیگری داشتی؟

من در بین کارگردان‌ها عاشق مسعود کیمیایی هستم. او همیشه به من می‌گفت من شبیه یکی از سوپر استارهای فیلمفارس هستم و دوست داشت من در یکی از فیلم‌هایش بازی کنم به همین خاطر قرار بود بسا او قراردادی امضا و به زودی به عنوان بازیگر اصلی ایفای نقش کنم. او می‌گفت من خیلی شبیه بهروز و توفی هستم و من هم از این موضوع خیلی خوشحالم.

می‌دونی پزشکی قانونی پس از معاینه گفته شما سالم هستی و خودت را به دیوانگی زدی

حجوات

سرویس حوادث ۴۸۹۸۴۳۵

رؤیاپردازی مرد آتش‌افروز به سبک فیلم‌های جنایی

اختلاف‌های شخصی و مراجعه نکردن به قانون موجب شکل‌گیری بسیاری از پرونده‌های جنایی است

تا اینکه تصمیم گرفتم از صاحب کارگاه انتقام سختی بگیرم. از روی دیوار وارد کارگاه شدم. پارچه‌ای را آغشته به مواد آتش‌زا کردم و روی بخاری که روشن بود، انداختم. وقتی پارچه آتش گرفت از محل فرار کردم تا اینکه فهمیدم یکی از کارگران به خاطر آتش‌سوزی فوت کرده است. سپس از ترس از تهران به شهرستان رفتم. سه سال از حادثه گذشته بود و فکر کردم آب‌ها از آسیاب افتاده است به همین دلیل به تهران برگشتم و شروع به کار کردم و فکر نمی‌کردم مأموران مرا شناسایی کنند، اما خیلی زود دستگیر شدم.

متهم در بازجویی‌های بعدی برای فرار از قانون خودش را به دیوانگی زد. بعد از آن بود که وی به دستور بازپرس سیفی برای مشخص شدن سلامت روحی و روانی‌اش به پزشکی قانونی فرستاده شد. در حالی که پزشکی قانونی سلامت روانی وی را تأیید کرده بود، چند روز قبل متهم برای بازجویی به شعبه چهارم منتقل شد. وی در حالی که در شعبه قیقه می‌زد، ادعا می‌کرد من عاشق هستم نه قاتل و از قاضی می‌خواست وی را آزاد کند، چون قرار است با یک کارگردان معروف قرار داد بازیگری ببندد و پس از بازی در آن فیلم به روستایشان برسد و با دختر رؤیاهایش ازدواج کند.

برای فرار از قصاص؟

(شروع به خنده می‌کند) بله می‌دانم. خب فوقش قصاص می‌شوم.

قصاص خنده دارد؟

بله همه چیز از نظر من خنده‌دار است حتی قصاص. من از قاضی سیفی خواستم حکم دهد مرا تیرباران کنند به جای طناب دار.

چون خیلی هیجان دارد و بعد هم کارگردان‌هایی مثل کیمیایی می‌توانند از روی زندگینامه من یک فیلم عاشقانه جنایی بسازند و رؤیای من هم تماشایش کند.

آخرین حرفت را بگو.

من دوست دارم قاضی هر چه زودتر مرا آزاد کند تا ابتدا فیلم بازی کنم و بعد پیش رؤیا بروم و به سبک فیلم‌های هندی با هم ازدواج کنیم.

نجات خانم معلم از دام پسر شیشه‌ای

مصرف کنندگان شیشه به تهدیدی جدی تبدیل شده‌اند

سرعت او را نجات دادیم و پسر جوان را هم که قصد فرار داشت، دستگیر کردیم. وی در پایان گفت:در این خانه علاوه بر این مرد، دوزن و یک مرد دیگر در حال مصرف مواد بودند.

زن جوان در حالی که به شدت ترسیده بود با طرح شکایتی از مرد آدم‌ریا گفت: من معلم مدرسه متوجه فریادهای کمک‌خواهی هستم. ساعتی قبل پس از تعطیلی مدرسه به خیابان آمدم و به طرف خانه‌ام به راه کوچه‌ای این مرد ایستاده بود که متوجه شدم پشت سرم در حال حرکت است. به او مشکوک شدم و قدم‌هایم را تندتر کردم که ناگهان وی از پشت سر مرا گرفت و به سوی کوچه کشاند. یک لحظه شوک تمام وجودم را گرفت تا اینکه شروع به داد و فریاد کردم. سعی کردم خودم را از چنگالش نجات دهم، اما زور او خیلی زیاد بود و مرا روی زمین می‌کشاند. تنها کاری که از دستم بر می‌آمد کمک‌خواهی از رهگذران بود، اما قبل از اینکه شهروندان به دادم برسند، مرد خشن مرا به داخل خانه کشاند که بعداً فهمیدم خانه خودش است. او در خفاست و در مقابل چشمان یک مرد و دوزن دیگر قصد تعرض به من را داشت که در برابرش مقاومت کردم و لحظاتی بعد هم مردم به کمک آمدند و مرا نجات دادند. پس از این مأموران پلیس از متهم ۳۳ساله که داریوش نام دارد، تحقیق کردند. وی در بازجویی‌های اولیه منکر آدم‌ریایی و مدعی شد که قصد آدم‌ریایی نداشته و او را به خانه‌اش دعوت کرده است و این زن با رضایت به خانه‌اش آمده است. با طرح این شکایت متهم به دستور قاضی سپهرانی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرد شیشه‌ای که متهم است با تهدید، زن رهگذر را به خانه افیونی‌اش کشانده بود، با هوشیار نگه‌دارن به دام پلیس افتاد.

به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز سه شنبه اول دی ماه بود که اهالی خیابانی در شرق تهران متوجه فریادهای کمک‌خواهی زن جوانی شدند که از سوی پسر جوانی به طرف خانه‌ای ویلایی کشیده می‌شد. پس از این شهروندان به کمک زن جوان شناختند، اما پسر خشن به زور زن جوان را به داخل خانه‌اش کشاند و در را بست. در حالی که فریادهای زن جوان از داخل خانه ویلایی به گوش می‌رسید، اهالی کوچه با پلیس تماس گرفتند و موضوع را اطلاع دادند و هم‌زمان برای نجات وی دست به کار شدند و با تلاش پلیس در داخل خانه رفتند و زن جوان را که در چنگال این مرد آدم‌ریا گرفتار شده بود، نجات دادند. لحظاتی بعد مأموران پلیس در محل حاضر شدند و متهم را که از سوی مردم دستگیر شده بود، بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

یکی از شاهمان گفت: من در حال عبور از کوچه بودم که دیدم مرد جوانی این زن را گرفته است و به زور او را به طرف خانه‌ای می‌کشاند. فریادهای زن بی‌گناه بلند شده بود که با چند نفر به کمکش رفتم، اما قبل از اینکه به آنها برسیم، مرد آدم‌ریا موفق شد او را به داخل خانه‌اش بکشد و در را ببندد. بلافاصله به پلیس خبر دادیم و از سوی دیگر فریادهای زن جوان را از داخل خانه می‌شنیدیم که ما می‌خواستیم به داخل خانه برویم و او را نجات دهیم. از آنجایی که احتمال دادیم قبل از آمدن پلیس برای او اتفاق بدی بیفتد در خانه را تخریب کردیم و وارد خانه شدیم که دیدیم این مرد قصد دارد به زور به این زن تعرض کند. ما به



قتل پسر جوان

باشلیک گلوله

اختلاف ملکی در یکی از روستاهای شهرستان دیر قتل پسر جوان را رقم زد.

صبح دیروز مرد جوانی در روستای کورک شهرستان دیر، وقتی متوجه شد عشاری‌روی زمین‌هایش چادر زده‌اند، برای بیرون آمدن آنها راهی محل شد. وقتی مشاخره مرد جوان و عشاری‌بلا گرفت، وی اسلحه کشید و یکی از عشاری‌را که پسر ۲۲ساله بود، با شلیک گلوله به قتل رساند.

هم‌زمان با وقوع حادثه، مأموران پلیس در محل حاضر شدند و متهمان را بازداشت کردند. تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.

بازگشت به زندگی

از دام مرگ خاموش

سه عضو یک خانواده که همراه

سه میهمان خود دچار گاز گرفتگی شده بودند، از یک قدمی مرگ به زندگی بازگشتند.

ساعت ۶:۵۱بامداد دیروز بود که آتش‌نشنان ایستگاه ۱۰۴ آتش‌نشانی از حادثه گازگرفتگی در یک ساختمان پنج طبقه در تهرانسر، شهرک پاسداران باخبر شدند و خود را به محل رساندند. محل حادثه یک ساختمان پنج طبقه ۱۰ واحدی بود که در طبقه دوم آن سه عضو یک خانواده همراه سه میهمان خود دچار گازگرفتگی شده بودند. آتش‌نشنان به سرعت رد و پنجره‌ها را باز کردند و هر شش نفر را که خوشبختانه زنده بودند و دچار علائم مسمومیت با گاز مونو کسید کربن شده بودند، به بیرون از خانه منتقل و راهی بیمارستان کردند. بررسی‌هایشان ناقص در نصب غیراصولی کودک‌کش بخاری منجر به نشت گاز مونو کسید کربن در فضای داخلی خانه شده بود.

مرگ خاموش زوج سالخورده

زوج سالخورده‌ای در یکی از روستاهای شهرستان ناین دجار گاز گرفتگی شدند و جان باختند.

این حادثه روز گذشته در روستای جزن‌آباد بخش مرکزی ناین اتفاق افتاد. تحقیقات در این باره نشان داد که زن و شوهر ۷۰ و ۷۵ساله با استنشاق گاز مونو کسیدکربن ناشی از سوختن ذغال دچار گاز گرفتگی و فوت شده‌اند. روستای جزن‌آباد در ۳۵ کیلومتری جاده ناین به اردستان و شهرستان ناین در ۱۴۰ کیلومتری شرق اصفهان قرار دارد.

باشگاه فوتی

جرایم سایبری

جرایم سایبری، نوعی از جرایم اینترنتی می‌باشد که در محیط سایبر و وجود می‌آید. سایبر یک محیط مجازی است که کاربران می‌توانند به هر گونه خدمات الکترونیکی در سراسر دنیا دست یابند. محیط سایبر زمینه فعالیت‌های اقتصادی مهم برای انجام تمامی معاملات تجاری و در سطح بین المللی بدون دخالت مستقیم بشر را فراهم کرده است. امنیت تاکافی تکنولوژی همراه با طبیعت مجازی آن، فرصت مناسبی را در اختیار افراد شرور قرار می‌دهد. نگران‌کننده‌ترین جنبه فضای سایبر، انتشار سریع اطلاعات در آن است، مثلاً در لحظه کسب‌قسمتی از اطلاعاتی که می‌تواند به طور بالقوه مورد سوءاستفاده قرار گیرد، کشف می‌شود. در فضای مجازی برای جست‌وجو کردن این جرایم، مشکلات پیچیده‌تر می‌شود. در دنیسای واقعی، دزدی از بانک مشخص است چون بعد از سرقت در خزانه بانک پولی وجود ندارد ولی در تکنولوژی کامپیوتری، یک خزانه می‌تواند بدون هیچ علامتی خالی شود. امروزه واژه هکر به هر شخصی که مرتکب یک جرم مرتبط با فناوری شود، گفته می‌شود. هکرهای کنجکاو می‌توانند سنهوا باعث زبان‌های قابل توجهی شوند. جست‌وجوی آنها برای یافتن اطلاعات و آموزش است، نه برای انتقام‌گیری و صدمه زدن به دیگران.

براساس ماده ۱۲ قانون جرایم رایانه‌ای، هر کس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را برآید، اگر عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

مردی که از ۲۸سال قبل به اتهام قتل در زندان به سر می‌برد، سرانجام با رضایت بی‌قید و شرط اولیای دم از حبس آزاد شد.

حادثه قتل سال ۱۳۶۵ و در جریان یک نزاع در روستای دامغان شهرستان سربلک رقم خورد. تحقیقات پلیس حکایت از این داشت که متهم به متهم که متهم ۶۰ساله است و در زندان به نام حسن را به قتل رسانده است. او پس از بازداشت به جرمش اقرار کرد، اما گفت که انگیزه‌ای برای ارتکاب قتل نداشته است. مرد ۳۲ساله بعد از کامل شدن تحقیقات از سوی دادگاه به قصاص محکوم شد. تلاش‌ها برای نجات این مرد از مجازات پس از ۲۸سال به نمر نشست و متهم که حالا مردی ۶۰ساله است با اعلام گذشت اولیای دم از زندان آزاد شد. پسر مقتول که هنگام حادثه شش سال داشت، گفت: من اکنون ۳۴ساله‌ام زمانی را که پدرم از خانه خارج شد، به یاد دارم. در تمام این سال‌ها منتظر بازگشت پدرم بود، در حالی که می‌دانستم او کشته شده است. هر چند متهم پدرم را از من گرفت، اما امیدوارم با گذشت من و خانواده‌ام از گناهی که مرتکب شده است، توبه کند.

کثرت تعداد اولیای دم باعث شده بود تا این پرونده سال‌ها طول بکشد. شهرستان سراب دارای دو بخش مرکزی و مهربان، ۹دهستان و ۱۶۳ روستاست و بر اساس آخرین سرشماری ۱۲۲ هزار و ۹۶ نفر جمعیت دارد.